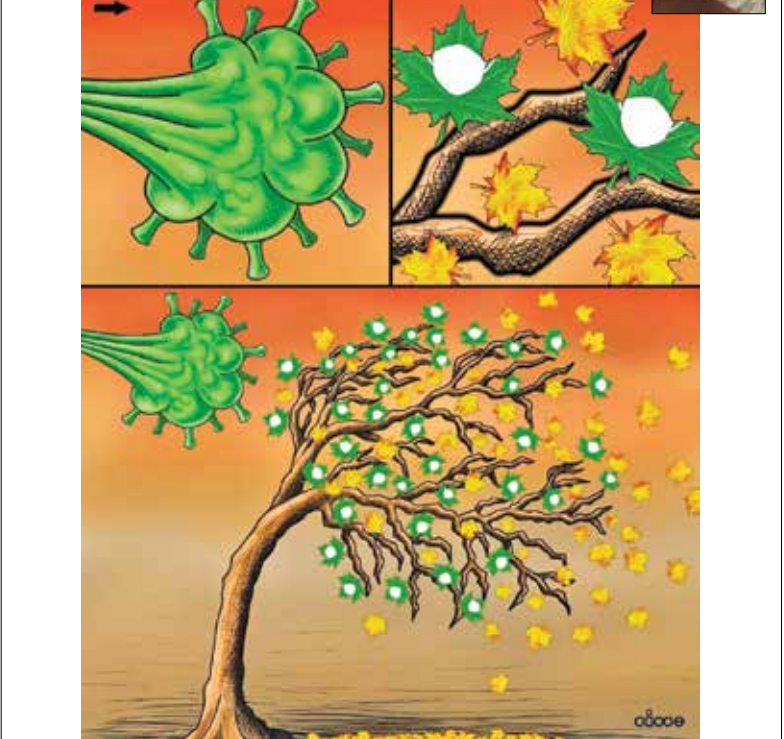


ایران

مسابح امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیع‌ی
سرمدبیر: جواد دبیری

| | | | | |
|--|-----------------|--|---|----------------------|
| اذان ظهر ۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۴۲ | نیمه شب شرعی ۲۲/۰۸ | اذان صبح فردا ۴/۵۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۵ |
| امام علی (ع) : هر کس برای اصلاح خود، خویشان را به زحمت بیندازد، خوشبخت می شود | سخن روز | هر کس خود را در لذت ها رها کند، بدبخت می گردد و بی بهره می ماند. | شرح آقاجمال الدین خوانساری برغرالحکم ودرالکلم ج ۵، ص۲۵۸، ج ۸۲۴۶ وح ۸۲۴۷ | |

| | |
|--|--|
| نگاره | <div></div> <div>نیم‌ا شاه میری</div> |
| <div></div> <div>کرونا و خزان زندگی</div> | |



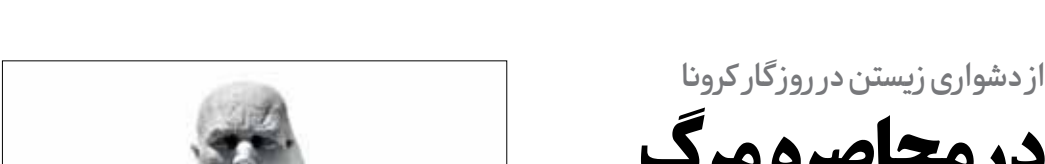
#روایت_تحريم

در چند روز گذشته کاربران شبکه‌های اجتماعی از نتایج تحريم در زندگي مردم ايران نوشتنند تا فراموش نشود در اين سال‌ها چه اتفاقاتي افتاده است. آنها مي‌خواهند اين اتفاقات با هشتگ روايت تحريم مستند و ماندگار شود. بسياري از مشکلاتي که کاربران به‌عنوان نتيجه تحريم از آنها نوشتنند مربوط به دارو بود هرچند مسائل و مشکلات معيشتي را هم بين‌شان مي‌خوانديم: «دوستي مي‌گفت کارخانه ساخت تشک با ۶۰۰ کارگر مواد اوليه‌اش از بلژیک وارد مي‌شد. تحريم‌ها مانع رسيدن مواد اوليه شد. يعني ۶۰۰ خانواده بیکاري و ۶۰۰ خانواده گرسنگي و فقر و ۶۰۰ پدر و مادر شرمنده کودکان. حاميان تحريم، حاميان جنايتند، حاميان رنج‌دادن انسان‌هاي بي گناهند»، «دوستي پيام داد که فلان دارو رو کسي فوري بايد بفروسته ايران، رفتم از به دکتر ايراني تو برلين خواهش کردم و نسخه رو نوشتم. اما به دليل هزينه بالای خريد دارو و مراقبت خاصش نتونستيم بفروستيم.» «روايت تحريم يه هشتگ نيست، گزارش بخشي از آثار تحريم‌هاي غير انساني وضع شده عليه ايرانيان است.» «روايت تحريم براي من خلاصه ميشه تو انوسوليني که خيلي وقتا نيست. کمه. توزيع نمیشه. براي امثال من از اکسيژن واجب تره، ولي هر بار موعده دريافش ميرسه، بايد با اشک دنياش بگريديم. نوار تست قندخوني که از اون شب واجبتره، ولي نيست. براي اينکه لنگ نمونم، طي اين سال‌ها مجبور شدم دستگاه‌هاي

نتايج پنهان کردن کرونا

یکی از کاربران توییتر درباره همکارش نوشت که با داشتن علائم بیماری کرونا آن را پنهان کرده و باعث ابتلای چند نفر دیگر شده است. او نوشت: «توی بخش ما ۴ تا گروه ۸ نفره بودیم. از گروه ما به‌خاطر اون خانم که علائمشو کتمان کرد و همچنان سرکار اومد ۶ نفر بیکه مبتلا شدیم+معاون و آبدارچی و یک نفرمون یک ساعت پیش مرد. به مرد جوون پر از شوق و شور و استعداد. یکسال بود پدر شده بود. باورم نمیشه. هفته پیش داشتیم با هم می‌خندیدیم.» با این توثیت کاربران زیادی از تجربه‌های مشابه و نتایج خطرناک پنهان کردن بیماری کرونا نوشتند: «همکار خواهر من با علائم سرماخوردگی بود هرچی هم میکن ماسک بز نمیزنه. نمی‌دونیم کرونا بود یا نه! آدم بی شعور و بی‌مسئولیت زیاده. یا دوستمون با تب طولانی و بدن درد هنوز کتمان میکنه میگه کرونا نيست و با افتخار میگه ما همه جا ميريم رعايتنم نمی‌کنیم.» «توی واحد مدیریت به مجموعه اداري، آبدارچی با پنهان کردن بیماريش ۲۰ نفر رو فرستاده قرنطينه. تا حالا ۲ نفرشون فوت شدند»، «اينجور آدم‌ا چطور ديگه ميتونن زندگي کنن؟! وجدان ندارن آيا؟ من حتي دو هفته بعد از اينکه خوب شده بودم هم می‌ترسيدم برم جايي، گفتم نکنه هنوز ناقل باشم»، «خيلي ساده‌س؛ – همه افرادی

| | |
|---|--|
| تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تلفار: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روايت عمومي / نشاني: تهران خيابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مستدوق پستي: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکين: ۸۸۷۴۸۰۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامي سازمان آگهي‌هاي روزنامه ايران: دارنده گواهينامه ايزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خيابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذيرش سازمان آگهي‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات موسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir | |
| <div>بخشی از سخنان امیر هوشنگ ابتهاج(سایه) شاعر معاصر در واکنش به درگذشت استاد شجریان/ ایبستا</div> | |



از دشواری زیستن در روزگار کرونا

در محاصره مرگ

از دشواری‌های زیستن در روزگار بلا، داغ دیدن‌ها و غم چشیدن‌هاست. مرگ از شکل غیرمنتظره‌اش خارج می‌شود و به غیبت‌های ناگهانی آدم‌ها عادت می‌کنیم و قدم از قدم بر نمی‌داریم مگر آن که مرگ خود را مرور کرده باشیم؛ چه بسیار آدم‌ها که در چنین احوالی به قضاوت زیستی خود را به جبران‌مافات‌ها و استغفارها و اصرارها اصلاح کنند و چه اندک‌اند آنها که از جنازه دیگران برای خود سنگر می‌سازند و از دیگران گردنی برای گناه دست و پا می‌کنند و طلبکارانه به مواخذه خلق می‌نشینند؛ دشواری زیستن در روزگار کرونا، موربان‌وار تاب و توان ما را جویده است و آنچه که از ما به چشم می‌آید انبوه از نفس افتاده‌ای است که از خویش خسته‌اند و از دیگران آزرده. بی‌هیچ التیامی، مرگ‌های دور و نزدیک را تجربه می‌کنیم و قصه زندگی ما پر از گورهایی شده است که حتی نتوانستیم مردگان‌شان را مشایعت کنیم، حتی نتوانستیم چنان که دوست داریم تسلیت‌گوی بازماندگان باشیم؛ از درد متراکمیم و به خوش‌خیالی فکر می‌کنیم که همه چیز تمام می‌شود و آنچه دیده‌ایم جز کابوسی نبوده است، اما حال و احوال ما بی‌شابهت به پیش‌لرزه‌هایی نیست که زنگ خطری بزرگ را به صدا درمی‌آورند. این ماییم که یا باید از این سخن پند بگیریم یا ملال! مردم به غایت رنجور را باید مراقبت کنیم واز نمد جمعیتی که به چنگ و دندان بر زانوی خویش ایستاده‌اند برای خود و خودی‌ها کلاه نسازیم.

درباره محرومیت دوباره عادل فردوسی پور

محبویت و چوب محرومیت!

حالا نام عادل فردوسی‌پور با «محرومیت» گره خورده است. پیش از اینکه او را از اجرای برنامه برند و پرترفدار نود محروم کرده بودند حتی از انجام گزارش مسابقات فوتبال و حالا برنامه جدیدش هم به‌نام «نود ونو» در شبکه نمایش خانگی هم از سویی «ساترا» مجوز نگرفته و در واقع از حضور و فعالیت در فضای مجازی هم محروم شده است. این یعنی یک سرمایه‌سوزی ملی تمام عیارا ضمن اینکه هویت حرفه‌ای یک فعال موفق رسانه‌ای را از او سلب می‌کند؛ هنوز دلیل روشن حذف عادل فردوسی‌پور از برنامه نود که پربیننده‌ترین برنامه تلویزیونی بود و بیش از ۱۷ سال در اوج به شکل مستمر ادامه داده مشخص نیست و حق مخاطبان میلیونی این برنامه در پاسخ به چرایی این تصمیم نادیده گرفته شده که او را از برنامه‌سازی در فضای مجازی هم محروم می‌کنند. این نشان می‌دهد که ریشه و مبای این تصمیمات بیش از آنکه منطقی و حقوقی باشد، شخصی‌وحاساسی است، گرچه می‌توان دلایل آن را با توجه به برآیند اتفاقاتی که رخ داده حدس زد. قطعاً برنامه «نود ونو» می‌توانست برنامه پر مخاطب و موثقی باشد و این یک خطر و تهدید برای رسانه ملی و برنامه جایگزین نود در شبکه سه بود. آنها که در تصمیم را گرفته‌ند در واقع به حذف پیشاپیش رقیبی جدی و قدر دست زده‌اند تا در یک بازی ناجوانمردانه، پیروز میدان باشند. این در حالی است که فردوسی‌پور و برنامه‌اش بیش از اینکه یک رقیب داخلی باشند، برندی توانمند در رقابت با شبکه‌های ماهواره‌ای بودند؛ برنامه‌ای که می‌توانست به پیروزی مقتدرانه یک برنامه داخلی بر شبکه‌های خارجی منجر شود و یک افتخار و اعتبار رسانه‌ای را رقم بزند. ضمن اینکه با توجه به سوابقی که از عملکرد فردوسی‌پور سراغ داریم یک برنامه با کیفیت ورزشی و فوتبالی در فضای مجازی تولید می‌شد که می‌توانست به‌عنوان الگوی موفق برنامه‌سازی آنلاین و مجازی به می‌خورد!

چگونه از ترس کودکان کم کنیم؟

حوادث و آشنایی کودکان با زندگی حیوانات و آزار نرساندن و محافظت از آنان در محیط زیست شان است که مناسب گروه سنی ۸ تا ۱۱ سال است. این دو کتاب کودکان را با حیواناتی که زندگی جمعی دارند آشنا می‌گرداند. از نکات مثبت این کتاب نوع مقابله با حوادث، جایگاه و نقش پدر و مادر و بزرگان خانواده در ارتباط با بالا بردن اعتماد به نفس، همکاری و برقراری آرامش و گسترش مهر و دوستی در یک خانواده بزرگ است. این روزها که جهان روزهای تلخی را می‌گذراند و کودکان ما در خانه هستند زمان مناسبی است که با بلندخوانی کتاب مناسب برایشان اضطراب و ترس آنان را کم کنیم. امید به روزهای بهتر را بیشتر کودکان با قرار دادن خود در نقش قهرمانان داستان و غلبه بر ترس‌هایشان تجربه می‌کنند.



دومین بار بود که بد خواب می‌شدم. بار اول، صدای انفجار مخزن بزرگ، بیدارم کرد. بالاخره مورد هدف قرار گرفت و میلیون‌ها لیتر بنزین هوایما را، همچون قارچ آتشینی، به آسمان فرستاد. حرارتش را بر پوست صورت‌م حس می‌کردم.

شطر نج با ماشین قیامت حبیب احمدزاده

۲۷مهر

روز دویست و سیزدهم از سال با نام چهره‌های شناخته شده بسیاری همراه است که امروز

بهانه‌ای است برای یاد کردن از آنها.

■ تولدها

انوشیروان ارجمند: بازیگر سینما و تلویزیون اگر زنده بود امروز ۷۹ ساله می‌شد. انوشیروان ارجمند از اواخر دهه ۴۰ کارش را در مشهد به‌عنوان بازیگر و کارگردان تئاتر آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی او با سریال تلویزیونی «امام علی (ع)» بیشتر شناخته شد و پس از آن در سریال‌های «روزی روزگاری»، «زیر چتر خورشید»، «تفنگ سریر»، «معصومیت از دست رفته»، «مختارنامه»، «پنجمین خورشید» و «بزم آخر» بازی کرد. انوشیروان ارجمند سال ۱۳۹۳ درگذشت.

حبیب احمدزاده: نویسنده و مستندسازی که با آثار مربوط به دوران دفاع مقدس شناخته می‌شود سال ۱۳۴۳ به دنیا آمد. حبیب احمدزاده اولین کتابش را به‌نام «داستان‌های شهر جنگی» در سال ۱۳۸۷ منتشر کرد و پس از آن کتاب‌های «شطرنج با ماشین قیامت» و «کد ۲۴ یا یوف کور چگونه ساخته و پرداخته شد» به قلم او به چاپ رسید. احمدزاده در این سال‌ها نویسنده فیلم‌نامه فیلم‌هایی مانند «اتوبوس شب»، «گفت‌وگو با سایه» و «روایت سه گانه» بوده و در فیلم «آژانس شیشه‌ای» به‌عنوان مشاور فیلمنامه حضور داشته است. او مستندهای «آخرین تیر آرش»، «موج زنده» و «بهترین مجسمه دنیا» را هم ساخته است. **چیسیتائیرنی:**نمایشنامه نویس و مترجم شناخته شده سال ۱۳۴۷ در چنین روزی به دنیا آمد.

چیسیتائیرنی کارش را با نمایشنامه نویسی در تئاتر از سال ۱۳۶۸ آغاز و نمایش‌هایی مانند «جمعه دم غروب»، «اتاق تارک» و «حیاط خلوت» و «زنی که تابستان گذشته رسید» را هم کارگردانی کرد. نمایش «جنايت و مکافات» که با کارگردانی او در مسکو و جشنواره کلاسیک‌های روسیه اجرا شد نامزد سه رشته شد. تیرنی فیلم‌نامه «دعوت» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا را هم نوشت و البته غیر از اینها با نوشتن کتاب‌های «معلم پيانو»، «معلم پيانو»، «کوتاه کردن موی مرده»، «خواب گل سرخ» و «پستی» شناخته می‌شود.

سارلوز تولد **محمودمقلی فراغی** شاعر ترکمن، **ناصرح کامکاری** کارگردان، **محمودنقشه‌خواه** بازیگر، **محمدرحسین عابدی** شاعر و **زاک افرون** بازیگر آمریکایی هم امروز است.

■ درگذشت‌ها

حبیب‌الله بدیعی: موسیقیدان و نوازنده معروف ویولن سال ۱۳۷۱ در چنین روزی درگذشت. حبیب‌الله بدیعی متولد سال ۱۳۱۲ بود و از کودکی به ویولن علاقه‌مند شد و نواختن این ساز را یاد گرفت. پس از شرکت در کلاس‌های لطف‌الله مفخم که از شاگردان ابوالحسن صبا بود آنچنان در کارش پیشرفت کرد که از سال ۱۳۲۹ به‌عنوان سولویست در رادیو ارتش مشغول به کار شد. بدیعی در نواختن دستگاه‌ها و گوشه‌های آواز بسیار مهارت داشت و از سال ۱۳۳۷ با دعوت داوود پیرنیا کارش را در برنامه گل‌ها آغاز کرد. از سال ۱۳۴۳ عضو شورای موسیقی رادیو، معاون اداره رادیو تهران و معاون اداره موسیقی و پس از آن عضو شورای واحد موسیقی شد. بدیعی تصنیف‌ها و آهنگ‌های زیادی ساخته است که بسیاری از آنها مانند «کعبه دل‌ها»، «فریاد ازین دل»، «افسانه عشق»، «دل بی‌گناه»، «سنگ صبور» و «زندگی من» ماندگار شدند.

محمود ذوالفقون:نوازنده ویولن سال ۱۳۹۲ درگذشت. محمود ذوالفقون سال ۱۲۹۹ به دنیا آمده بود و پدرش سازنده و نوازنده تار و برادرش هم نوازنده سه تار بود. به همین دلیل از کودکی با موسیقی و نواختن ساز آشنا شد و وقتی به ساز ویولن علاقه پیدا کرد به دلیل اینکه استاد این ساز در آن زمان کم بود با ویولنی که خودش ساخته بود بدون استاد شروع به یاد گرفتن این ساز کرد. سال ۱۳۲۰ و پس از مهاجرت از شیراز به تهران در کلاس‌های ابوالحسن صبا شرکت کرد و مدتی بعد و با کسب مهارت عضو ارکستر انجمن موسیقی ملی به رهبری روح‌الله خالقی شد. او از ابتدای تأسیس رادیو تا سال ۱۳۵۴ با این رسانه همکاری می‌کرد و گروهی هم به‌نام «گروه ذوالفقون» تأسیس کرد. «نقد صوفی» از آلبوم‌های مشهور ذوالفقون است.

مرتضی کیوان: شاعر و منتقد هنری سال ۱۳۳۳ در چنین روزی در زندان قصر تهران تیرباران شد. مرتضی کیوان متولد سال ۱۳۰۰ و اولین ویراستار ایرانی و پایه‌گذار انجمن ادبی شمع سوخته بود. او در مجله‌هایی مانند «جهان نو» و «کبوتر صلح» کار می‌کرد و بسیاری از شاعران و چهره‌های ادبی مانند احمد شاملو، سیاوش کسرای، نیا یوشیج، هوشنگ ابتهاج و احسان طبری از او تأثیر گرفتند.وی پس از ۲۸ مرداد ۳۲ همراه چند افسر نظامی که به خانه او پناهنده شده بودند دستگیر و چند ماه بعد تیرباران شد. شاه‌رخ مسکوب کتابی از او شامل نوشته‌ها و سوره‌هایش به‌نام «کتاب مرتضی کیوان» در سال ۱۳۸۲ منتشر کرد.

عکس نوشت

پس از درگذشت محمدرضا شجریان یکی از دوستان ار او در شهر همدان بلبورو دهایی را با هزینه شخصی در این شهر نصب کرد تا نام و خاطره استاد آواز ایران را زنده نگه دارد.

منابع